



موانع توسعه ایران

به قلم علی اکبر نیکو اقبال

موسسه حساب پردازان معاصر ماندگار



بخش دوم: فرار مالیاتی علیه توسعه

الف ۴. در ایران سهم مالیات مستقیم از کل درآمدهای مالیاتی دولت بسیار پایین است! از علل و عوامل آن می توان این موارد را برشمرد: فرار مالیاتی به روش های مختلف مانند سهم بالای اقتصاد زیرزمینی که بین ۲۰ تا ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی برآورد شده است، پرداخت نشدن مالیات اکثریتی از نهادها، بنیادها و شرکت های حکومتی که قانونا از پرداخت مالیات معاف شده اند!

(در نظام مالیاتی ایران هنوز روش سنتی تشخیص و وصول اجرا می شود که از نتایج آن رواج یافتن فرهنگ چانه زنی بین مؤدی و مأمور مالیاتی، ایجاد فساد مالی در نظام مالیاتی، امکان استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری و قانونی از سوی برخی مأموران مالیاتی و همچنین عدم تشخیص مناسب و دقیق مالیات و به تبع آن عدم تمکین مناسب مالیاتی از سوی مؤدیان، افزایش تعداد اعتراضات و تأخیر در وصول مالیات است.)

الف ۵. به این ترتیب، از یک طرف امکان دسترسی و شناسایی مؤدیان مالیاتی در اقتصاد زیرزمینی فراهم نشده است و از طرف دیگر، امکان ورود و خروج کالا از مجاری غیررسمی و غیرقابل کنترل (قاچاق) و همچنین ورود کالا از مجاری رسمی بدون پرداخت حقوق گمرکی به دولت از طریق زدوبند، رشوه و زیرمیزی موجب کاهش و حتی سقوط درآمدهای مالیاتی و گمرکی دولت شده یا می شود. این فرایندها سد و مانعی جدی برای انجام وظایف مهم و اساسی دولت در امور حیاتی و زیربنایی را به همراه می آورد که علل و عوامل اساسی آن را از طریق بزرگ ترین قانون رفتارشناسی و مدیریت به طور مختصر تشریح می کنیم:

الف ۶. مایکل لوبوف در کتاب **بزرگ ترین اصل مدیریت در دنیا**، ترجمه ایران نژاد پاریزی در آخرین جمله یا ماحصل کلام در کتاب خود نوشته است: (هرکسی زمانی بهتر کار می کند که آن کار نفعی برایش داشته باشد). به زبان ساده اگر تولیدکنندگان صنعتی ببینند سودی در قبال تلاش صنعتی به هر دلیلی مانند پرداخت مالیات به دست نمی آورند و برعکس در تجارت زیرزمینی، واسطه گری، سفته بازی، فعالیت های رانتی و حتی جابه جایی کالا و قاچاق بنزین و امثال آن سودهای هنگفتی می برند، طبق این قانون، فعالیت کم سود قبلی را رها و کار پرسود و پردرآمد را پیشه می کنند.

فرزندی که در تلفن بگوید پدرم در خانه نیست؛ درحالی که پدر در خانه است و پدر این دروغ او را تحسین می کند، بدیهی است که این فرزند به دروغ گویی گرایش پیدا می کند؛ بنابراین جای تعجب نیست اگر تولیدکنندگان حصولتی یا صاحب نفوذ در فرایند خصوصی سازی، با علاقه ای افراط گونه به سمت خرید بسیار ارزان صنایع به فروش گذاشته شده بروند و به طرق مختلفی مانند فروش دارایی های شرکت و درنهایت ورشکستگی و بی کارکردن پرسنل شرکت به سودهای بادآورده، گزاف و راحت برسند. کلا اخبار منتشرشده در مطبوعات کشور، نشان از آن دارد که شناسایی افراد با ثروت ها و درآمدهای نجومی که



موسسه حساب پردازان معاصر ماندگار

هریک ده ها حساب با نام های مجعول در نظام بانکی کشور دارند، بسیار سخت و حتی غیرممکن شده است. بدیهی است که این گونه جریان های غیرقابل کنترل، بزرگ ترین لطمه را به درآمدهای مالیاتی دولت می زنند (از دست دادن مالیات های تصاعدی! درحالی که منابع مالیاتی کشورهای پیشرفته در حدود ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی است) و در این صورت، لطمه ای بس اساسی به تکالیف و این وظیفه مقدس دولت یعنی **توزیع عادلانه درآمد ملی** و به **برابری توزیع درآمدها** وارد می کنند.

الف ۷. در دنبال کردن سیاست های مالیاتی کشورمان باید کمی هم مبحث مالیات غیرمستقیم یا مالیات بر ارزش افزوده را دنبال کنیم: درخصوص مالیات های غیرمستقیم یا مالیات بر ارزش افزوده که باید از مصرف کننده نهایی گرفته شود نیز نکاتی شایان توجه است: مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات غیرمستقیم معمولاً از مصرف کننده نهایی دریافت می شود؛ درحالی که مالیات بر ارزش افزوده در ایران از مراحل تولیدی مانند تولید مواد اولیه، نیم ساخته یا نهایی نیز گرفته می شود که موجب افزایش فشار مضاعف مالیاتی به تولیدکنندگان می شود؛ اگرچه این فشار هم می تواند در نهایت به مصرف کننده نهایی منتقل شود. بخشودگی یا کاهش مالیات بر ارزش افزوده برای کالاهای صادراتی یا بخشودگی های مالیاتی برای توسعه صنعت و صادرات در مناطق محروم یا مناطق آزاد تجاری، اگرچه در ایران مصوب و سعی بر اجرای آن شده است؛ اما خبری از موفقیت چشمگیر و قابل گزارش برای توسعه صنعتی مناطق آزاد تجاری یا محروم و به دنبال آن تحقق اهداف اقتصادی در ایران نشده؛ در عین حال صحبت از آن است که مناطق آزاد تجاری سکویی برای واردات، بدون پرداخت حقوق گمرکی بوده اند. در دو قسمت باقی مانده از این سری یادداشت ها، به ابعاد دیگری خواهیم پرداخت.

مؤلف: **علی اکبر نیکواقبال** . دانشیار دانشگاه تهران